

انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی مصر (با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو)

سید محمد موسوی^۱

حسینعلی توتی^۲

سید محمدرضا موسوی^۳

چکیده

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی، گفتمان ویژه‌ای را در سطح جهان و به‌ویژه در خاورمیانه به وجود آورد که مبتنی بر سه محور اسلام‌گرایی، استقلال‌گرایی و وحدت‌گرایی است. و با آغاز تحولات بیداری اسلامی در خاورمیانه نیز تلاش کرده است تا با حمایت از تحولات انقلابی، نقش مؤثرتری را در شرایط جدید منطقه ایفا نماید. نگارندگان با طرح این سؤال که فرصت‌ها و چالش‌های تحولات ژئوپولیتیک نوین مصر بعد از وقوع بیداری اسلامی برای ج.ا.ایران چه بوده است، این فرضیه را طراحی کرده‌اند که بعد از وقوع بیداری اسلامی، فرصت‌های ژئوپلیتیکی ایران در شمال آفریقا و به خصوص کشور مصر، نسبت به چالش‌های دوران رژیم سابق این کشور، افزایش یافته است. فرصت‌ها و عوامل مؤثر نقش‌آفرینی ایران در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه با تحولات کشور مصر شامل متغیرهای جغرافیایی، اشتراکات دینی، متغیرهای انقلابی و همراهی انقلابیون با ایران می‌باشد.

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی با سنجش سه شاخص روابط ایران و مصر در سه دهه گذشته، فرصت‌های پیش‌روی کشور ایران پس از سرنگونی حکومت حسنی مبارک و همچنین مؤلفه‌های اهمیت‌دو کشور ایران و مصر برای یکدیگر، روابط خارجی ایران از نظر ژئوپولیتیک نوین در قبال بیداری اسلامی در مصر مورد ارزیابی گیرد. و در پایان مقاله، راهکارهایی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها در روابط بهتر با مصر در آینده ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: تحولات ژئوپلیتیکی، مصر، سیاست خارجی، سازه‌انگاری

Email: s46mosavi@yahoo.com

Email: h.tooti@ut.ac.ir

Email: moosaviut@gmail.com

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

۲- کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۲

۱- مقدمه

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت ضرورت مطالعه علمی و دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی را در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز عوامل پیدایش و بازتاب کارکرد پدیده‌ها را اجتناب ناپذیر می‌نماید و میدان عمل گسترده‌ای را فراروی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی ممالک قرار می‌دهد.

در این فضای جدید، کشور ما نیز در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته، است؛ به گونه‌ای که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و آن را به صورت کانون جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. این موقعیت نه تنها باعث تأثیرگذاری ایران در روند تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود، بلکه کارکرد مناطق پیرامونی نیز می‌تواند مسائل ایران را تحت تأثیر قرار دهد. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطب‌های قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، همواره مسائل جدیدی را می‌آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است. ایران کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگر توانمندی در خاورمیانه است. از این رو، کشور ما نمی‌تواند بی تفاوت از مجموعه دگرگونی‌های امنیتی و سیاسی در خاورمیانه روابط سیاسی خود را ساماندهی کند. مجموعه عوامل پیچیده‌ای لزوم توجه دولت مردان ایرانی را به پی‌گیری امور در خاورمیانه فرا می‌خواند. در این پژوهش، مسأله اصلی تحقیق، رهیافت نظری و عملی در سیاست خارجی ایران مبتنی بر تحولات جاری در مصر است که در چارچوب ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه بعد از بیداری اسلامی قابل ارزیابی است.

۲- چارچوب نظری

می‌توان روابط کشورها در منطقه خاورمیانه را در سه پارادایم عمده، یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری جای داد (گراهام، ۱۳۸۱: ۵۵۵). رئالیسم، مطالعه چیزی است که کنش‌های اجتماعی انسان را محدود می‌کند و سازه‌انگاری، مطالعه چیزهایی است که انسان را رهایی می‌بخشد. سازه‌انگاری به رئالیسم کلاسیک مبانی شناخت سازه‌های اجتماعی در عرصه سیاست و مشخصاً عرصه قدرت را اضافه می‌کند و اصول رئالیسم را تعالی می‌بخشد (حق پناه، ۱۳۹۰: ۹۴). از نظر سازه‌انگاران، آشوب‌زدگی فی‌نفسه بی‌معناست و آن چیزی نیست جز آنچه که دولت‌ها می‌سازند. آنها اعتقاد دارند مطالعه سیاست بین‌الملل تحت تأثیر رویکرد واقع‌گرایی ظاهراً باعث کم‌توجهی به ابعاد فرهنگی و هنجاری الگوی رفتار بازیگران شده است (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۳۵). سازه‌انگاری، نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیت‌ها و پدیده‌ای دسته‌جمعی انسان‌ها است و همانگونه که بر ساختارهای مادی - اجتماعی تأکید می‌ورزد ساختارهای هنجاری و معش‌های اجتماعی انسان را محدود می‌کند و سازه‌انگاری، مطالعه چیزهایی است که انسان را رهایی می‌بخشد (حق پناه، ۱۳۹۰: ۹۴)، سررشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال کشور انقلابی مصر به زنجیره بی‌شماری از عناصر تأثیرگذار همچون «تأثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌ها نسبت به دوستان و دشمنان، محیط ذهنی و پیرامونی» پیوسته است که به دلیل تعدد و درهم‌تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هریک از آنها کاری دشوار است. اهمیت و جایگاه هنجارها با ویژگی‌ها و مختصاتی از این دست از آنجاست که مطابق رهیافت سازه‌انگاری با درک چگونگی تأثیرگذاری هنجارها بر هویت، می‌توان چگونگی تعریف منافع ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است، درک کرد. با این رویکرد به نظر می‌رسد که پس از انقلاب اسلامی، «هنجارهای دینی و سنتی ما قبل اسلام و ما بعد آن» دارای وزن و اعتبار ویژه‌ای در میان لایه‌های متعدد هویتی و فرهنگی سیاست خارجی است (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

امروزه، بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل، دین را به عنوان عاملی توضیح‌دهنده در رخدادهای جهانی پذیرفته و آن را عامل مهمی در سیاست‌گذاری می‌دانند و حتی برخی از نویسندگان و نظریه‌پردازان غربی پس از اشاره به پیشینه موضوع و تحولات جاری پیش‌بینی

می‌کنند که یک جنبش جهانی و نیرومند به سود حاکمیت دین در پیش است. این پژوهشگران برخلاف واقع‌گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه آن در سیاست خارجی بسنده نمی‌کنند. بلکه در وجه ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین‌المللی می‌پردازند. این تلقی سازه‌انگارانه از جایگاه و تأثیر هنجارهای دینی، امروزه به طور خاص منزلت ایدئولوژیک ایران در بُعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش‌های اسلام‌گرا را توضیح می‌دهد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰).

بنابراین، برخلاف جریان اصلی در روابط بین‌الملل که هویت کنش‌گران را در نظام بین‌الملل، مفروض و ایستا فرض می‌کنند، هویت کنش‌گران به تعبیر سازه‌انگاری «ساخته» می‌شود. با این «ساخت» است که منافع ملی و همچنین کنش‌های کنش‌گران شکل می‌گیرد. از این منظر، گفته می‌شود که کنش‌گران، قائم به شکل اجتماعی بوده و هویت آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است. یکی از مهم‌ترین نتایج این توجه به هویت، احیای تفاوت‌ها میان دولت‌هاست. یعنی واحدهای سیاسی، عملاً در سیاست جهان در چهره‌بازیگران مختلفی جلوه‌گر می‌شوند و دولت‌های گوناگون براساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در قبال آنها دارند. به همین دلیل است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فرد و متمایز خود را طی چندین دهه حفظ کرده و آنها را در فرایند رفتاری به کار گرفته است (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بافت هویتی آن محدود به دورهٔ تدوین قانون اساسی یا مراحل اولیهٔ شکل‌گیری انقلاب نبوده، بلکه برای مثال می‌توان گفت که در مسئله مصر برداشت اخلاقی و دینی از وظایف موجب شد که اعتقاد به راهبرد مواجهه با نظم هژمونیک ایالات متحده و تلاش برای برقراری نظام عادلانهٔ بین‌المللی و اهتمام به صدور فرهنگ و انقلاب اسلامی، امتداد عملی یابد و در ادامه به مکتبی شدن سیاست خارجی و به تبع آن شکل‌گیری هویت در دولت منجر شود. (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰) در واقع ایران اسلامی با رهیافت سازه‌انگاری، شدیدترین ضربه به منافع ایالات متحده در مصر محسوب می‌شود و این انقلاب در درجهٔ اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در این کشور شده است (ولی‌پور و زرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

۳- ایران و مصر در بستر تحولات

در سیاست خارجی ایران، الگوی بی طرفی به دلیل عدم انطباق با ژئوپولیتیک ایران، الگوی انطباق رضایت آمیز به دلیل نادیده گرفتن اصل استقلال ملی، الگوی اعتراضی به خاطر مربوط بودن به دوره تثبیت انقلاب مورد انتقاد قرار دارند و آنچه که به عنوان جایگزین و مکمل الگوی مدارا با جهان و تنش زدایی پیشنهاد می‌شود، الگوی تعامل و رقابت می‌باشد که مبتنی بر دیپلماسی دینامیک و متناسب با تحولات نظام بین‌المللی است. تعامل و رقابت از پارادایم فرصت محوری نشأت می‌گیرد. این رویکرد در مقیاس منطقه ای و جهانی به ظرفیت سازی شایسته در سیاست خارجی ایران منجر خواهد شد. بنابراین، آنچه که پیشنهاد می‌شود رقابت در مقیاس منطقه‌ای است که نتیجه سیاست خارجی کارآمد بوده و از ظرفیت مناسبی در کشور برخوردار است. این الگو ضمن درک واقعی و غیرشعاری امکانات و محدودیت های ژئوپولیتیک ایران و توجه به حضور قدرت‌ها و بازیگران دیگر در منطقه، روابط خود با سایر کشورها را تنظیم می‌کند. توجه به دیپلماسی دینامیک، وضعیت دگرگون شده منطقه و شدت تحولات اخیر به اندازه‌ای است که بیش از نیمی از کشورهای منطقه را مستقیم یا غیرمستقیم درگیر نموده است. در این میان، کشورهایی مانند مصر جای دارند که از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه از نظر فرهنگی بوده، مبدأ بزرگ‌ترین گروه اسلام‌گرا یعنی اخوان‌المسلمین است که در بسیاری از کشورهای جهان اسلام شاخه‌هایی دارد (قالیباف و پور موسوی، ۱۳۸۷: ۶۴).

با وقوع انقلاب اسلامی و چرخش مواضع و دیدگاه‌های ایران در برابر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، امضای قرارداد کمپ دیوید و سفر محمدرضا شاه پس از فرار از ایران به مصر باعث تغییر رفتار دو کشور ایران و مصر نسبت به یکدیگر گردید و روابط سیاسی دو کشور آشفته شد (احمدزاده، ۱۳۸۵: ۱). البته، نباید در این میان کمک‌های مصر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و کمک به کودتای نافرجام آمریکا در طبرس را از نظر دور داشت (قلوبی، ۱۳۸۷: ۲۵). سرانجام، امام خمینی (ره) طی نامه‌ای به ابراهیم یزدی (وزیر خارجه دولت موقت)، دستور به قطع ارتباط با مصر را صادر کردند (امام خمینی (ره)، ج ۸: ۱۶۸).

بعد از قطع ارتباط دیپلماتیک میان تهران - قاهره، سال‌های بعد همراه با دوری و نزدیکی‌هایی بود. در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ روابط دو کشور به دلیل اتهاماتی که به یکدیگر

می‌زدند، بسیار پرتنش بود. در نتیجه بالاگرفتن این بحث‌ها، وزارت خارجه مصر در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۶ با احضار کاردار ایران، تصمیم دولتش را در بستن دفتر حفاظت منافع ایران به بهانه دست داشتن در خرابکاری و ارتباط با گروه‌های تروریستی به او اعلام کرد. بدین ترتیب، با اخراج سرپرست دفتر حفاظت ایران از مصر، روابط دو کشور به طور کامل قطع شد و سفارت سوئیس نمایندگی دو کشور را به عنوان حافظ منافع بر عهده گرفت (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

مسئله جنبش‌های اسلامی از دیگر عوامل تنش در روابط مصر و ایران در دهه هشتاد و اوایل دهه نود بوده است؛ چون این تصور همواره وجود داشته است که ایران از جنبش‌های اسلامی بنا به ماهیت اسلامی آن‌ها حمایت می‌کند (الشرواقی، ۱۳۷۹: ۲۰).

بعد از اتمام جنگ تحمیلی، سیاست خارجی ج.ا. ایران مبتنی بر سیاست‌های سازندگی اعلام شد و از آن جا که برای بازسازی به برقراری ارتباط با کشورهای عرب منطقه نیازمند بود؛ برای نشان دادن حسن نیت، اقدام به آزادسازی تعدادی از اسرای مصری نمود. این مسئله با گشاده‌رویی مصر مواجه شد. روابط تاحدودی نزدیک شده و نهایتاً در سال ۱۳۷۰ دفاتر حافظ منافع دوباره راه اندازی شدند.

در دهه ۹۰ م، دهه‌ای نسبتاً مطلوب برای دو کشور محسوب می‌شد و در عین حال که مصر و ایران به لحاظ روابط دیپلماتیک، قطع رابطه کرده بودند، اما رابطه‌های حداقلی برخلاف دوره ۷۰-۱۳۶۶ هم‌چنان ادامه داشت. در دوران اصلاحات، تلاش‌های بسیاری برای از سرگیری روابط صورت پذیرفت؛ اما به دلایل مختلفی این امکان فراهم نشد. در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد هم این تلاش‌ها ادامه پیدا کرد تا جایی که احمدی‌نژاد از آمادگی ایران برای بازیابی روابط سیاسی با مصر اطلاع داد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)، اما این اتفاق نیفتاد. مؤلفه‌های تقابل ایران و مصر طی سه دهه اخیر در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت بوده‌اند از:

۱-۳- سطح داخل:

۱-۱-۳ فرار محمدرضا شاه به مصر

اولین نقطه تقابل ایران و مصر در مقیاس داخلی به ممانعت حکومت مصر از تحویل محمدرضا شاه به ایران مربوط می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، محمدرضا شاه به مصر فرار کرد

و تلاش دولت ایران برای بازگرداندن وی و محاکمه او بی نتیجه ماند. انور سادات در پذیرایی از شاه ایران سنگ تمام گذاشت.

۳-۱-۲ - ترور انور سادات و نامگذاری خیابان خالد اسلامبولی در تهران

نام خیابان خالد اسلامبولی (مجری نقشه قتل انور سادات)، به عنوان حافظ آرمان‌های فلسطین بر خیابان وزرای سابق تهران نهاده شد. این نامگذاری حداقل به صورت صوری سال‌ها موضوع اصلی اختلاف دو کشور قرار گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

۳-۱-۳ - اتهام مصر در مورد حمایت ایران از گروه‌های بنیادگرای این کشور

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با استقبال مسلمانان جهان به ویژه در کشورهای خاورمیانه مواجه شد؛ به نحوی که موجی از اسلام‌گرایی را به ویژه در کشورهای مسلمان برانگیخت و موجبات رشد و تقویت گروه‌ها و احزاب اسلامی را فراهم ساخت. مصر نیز جزو این کشورها بود که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرارگرفت و انقلاب ایران باعث افزایش فعالیت‌های دینی سیاسی گروه‌های اسلام‌گرا شد. اوج حمایت‌های مردمی از رهیافت انقلاب اسلامی در قتل انور سادات (عامل عقد پیمان کمپ دیوید) تجلی یافت. حکومت مصر نیز برای رهایی از مشکلات و نابسامانی‌های داخلی به برون‌فکنی پرداخت و ج.ا. ایران را متهم به صدور انقلاب اسلامی و دخالت در امور داخلی این کشور نمود (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۳: ۲۲).

۳-۲-۲ - سطح منطقه ای

۳-۲-۱ - قرارداد کمپ دیوید و حمایت مصر از اسرائیل

در واقع، مهم‌ترین دلیلی که به خاطر آن ج.ا. ایران رابطه خود را با مصر قطع کرد، به رسمیت شناختن اسرائیل و امضای معاهده بین مصر و اسرائیل بود. امام خمینی (ره) نیز در مصاحبه‌ای با خبرنگاری آسوشیتدپرس در روز ۱۶ آبان ۱۳۵۷ این توافقنامه و نظایر آن را توطئه‌ای برای مشروعیت بخشیدن به تجاوزات اسرائیل خواند که در نتیجه، شرایط را به نفع اسرائیل و به ضرر اعراب و فلسطینی‌ها تغییر می‌دهد (بابایی، ۱۳۸۴: ۵۳). پس از تصرف سفارت مصر توسط دانشجویان عرب به عنوان اعتراض به پیمان کمپ دیوید در ۶ فروردین ۱۳۵۸ می‌توان گفت یکی از اولین فرمان‌های حکومتی امام خمینی (ره) به دولت موقت در زمینه روابط بین‌الملل، قطع روابط دیپلماتیک با مصر است. در واقع، گرایش انور سادات و

جانشین وی (مبارک) برای داشتن روابط نزدیک با اسرائیل و تبدیل شدن به محور حفظ منافع غرب در خاورمیانه، ایران اسلامی را بر آن داشت که با قطع ارتباط با مصر در کنار سوریه و برخی از کشورهای دیگر جبهه پایداری در قبال توسعه طلبی رژیم صهیونیستی قرار گیرد (پیشگاهی فرد و میر احمدی، ۱۳۸۹: ۹۱).

۲-۳ - حمایت مصر از عراق در جنگ تحمیلی

دهه ۸۰ را می‌توان بحرانی‌ترین دوران در روابط ایران و مصر قلمداد کرد و حمایت دولت مصر از رژیم عراق در جنگ تحمیلی به تیرگی این روابط شدت بخشید. فروش بیش از ۳/۵ میلیارد دلار تسلیحات به عراق، اجرای پروژه کندور برای طراحی موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و ایجاد یک کانال برای صدور انواع گوناگون فناوری‌های موشکی ناتو در پوشش شرکت‌های اروپایی، تنها گوشه‌ای از اقدامات مصر علیه ایران در جنگ ۸ ساله است؛ اقداماتی که با موضع‌گیری‌های رسمی نیز همراه بود (Rudolf, 1917: 219).

۳-۲-۳ - روابط ایران با گروه‌های فلسطینی

موضوع محکومیت اشغال فلسطین و حمایت از مردم ستم‌دیده آن همواره چه در قبل از انقلاب و چه در بعد از آن، مورد تأکید امام خمینی (ره) بوده و به محور اصلی سیاست خارجی ج.ا. ایران تبدیل شده است. این موضوع تاکنون با جدیت از سوی دستگاه دیپلماسی و مقامات کشور پیگیری شده است. ج.ا. ایران مبارزات گروه‌های اسلامی فلسطینی برای آزادسازی وطن خویش را به حق دانسته و از آن حمایت کرده است. مصر که از هم‌پیمانان امریکا در خاورمیانه است تلاش داشت تا در راستای اهداف خاورمیانه‌ای واشنگتن گام بردارد؛ بدین لحاظ برخلاف ایران از طرح‌های سازش کارانه که حقوق فلسطینی‌ها در آن‌ها نادیده گرفته شده، حمایت به عمل آورده است. از سوی دیگر، مصر به دلیل ارتباط سیاسی با تلاویو، با هر گونه مقابله نظامی با اشغالگران از سوی مردم و گروه‌های فلسطینی مخالفت نموده است (پندار، ۱۳۸۸: ۳۵۱-۱۴۸).

۴-۲-۳ - کشمکش ایران و مصر در مسأله سودان

گسترش روابط ایران و سودان یکی از علل بهبود نیافتن روابط ایران و مصر در زمان حکومت مبارک بوده است. از دید باکنیام شرقاوی، مصر گسترش روابط ایران با سودان را گسترش نفوذ

ایران در مناطق دوردست و فراتر از میدان نفوذ حیاتی و سنتی آن و تلاش برای ائتلاف بر ضد مصر در مرز جنوبی خود می‌داند و از آن نگران است (Prerenting, 2005).

۳-۲-۵ حمایت مصر از ادعای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه ایرانی

اتحادیه عرب در نشست‌های خود به مکرراً به درخواست امارات متحده عربی موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در دستور کار خود قرار داده و از ادعای امارات حمایت به عمل آورده است. این اتحادیه حتی خواستار ارجاع این اختلاف به دیوان لاهه شده است. مصر نیز به عنوان عضو تأثیرگذار، تاکنون همسو با دیدگاه‌ها و مواضع کلی اتحادیه و ادعاهای امارات عمل نموده است.

۳-۲-۶ درخواست مصر از ایران برای تحویل برخی از اعضای جماعت اسلامی و

الجهاد

حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن، حمله آمریکا به افغانستان، باعث فرار نیروهای القاعده از این کشور شد. جمهوری اسلامی ایران که خود از قربانیان اقدامات تروریستی است، در مقابله با تروریست‌ها فعالانه در این زمینه عمل کرده است؛ به نحوی که اقدامات ایران منجر به دستگیری تعدادی از نیروهای این گروه در داخل و در مرزهای کشورمان شد. با توجه به دستگیری تعدادی از اتباع مصری که از اعضای القاعده هستند، قاهره خواستار تحویل این افراد شده است. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که قصد محاکمه و مجازات آن‌ها در دادگاه‌های خود دارد (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۳: ۲۱).

۳-۳- در سطح فرامنطقه‌ای

۳-۳-۱- رابطه ایران و آمریکا

ایالات متحده آمریکا که جمهوری اسلامی ایران را مانعی در استقرار سلطه خود در منطقه و خلیج فارس می‌داند، با بحران‌سازی مستقیم و غیرمستقیم نیز سعی در منزوی کردن ایران دارد. مقاومت واشنگتن برای موجه جلوه دادن سیاست‌های خصمانه خود نسبت به ایران، سه دلیل عمده مطرح می‌کنند:

الف) ایران در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت می‌کند؛

ب) در صدد دستیابی به سلاح اتمی است؛

ج) در روند صلح اعراب و اسرائیل کارشکنی می کند (انصاری، ۱۳۷۵: ۳۰).

۲-۳-۳ - رابطه مصر با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی

مصر پس از اسرائیل یکی از قدیمی ترین، مستحکم ترین و استراتژیک ترین روابط را در خاورمیانه با آمریکا دارد. پیوندهای نظامی، سیاسی و اقتصادی مصر با آمریکا باعث فاصله این کشور از ایران شده است. آمریکا به واسطه امضای قرارداد کمپ دیوید توسط مصر، سالانه تقریباً ۲ میلیارد دلار کمک بلاعوض در اختیار حکومت مصر قرار می دهد (گلرو، ۱۳۸۵: ۲۴۶). وابستگی مصر به کمک های ایالات متحده، یکی از نقاط آسیب پذیر این کشور است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۱۰). همکاری نیروهای دو کشور در برنامه های حفظ صلح سازمان ملل از جمله در سومالی، بوسنی، کوزوو و تیمور شرقی بیانگر عمق روابط آنها است. دو کشور در مورد مسائل خاورمیانه با یکدیگر همکاری می کنند و درصدد هستند که مذاکرات صلح بین اسرائیل و کشورهای عرب تداوم یافته و به نتیجه برسد. لذا در این میان از نقش کنگره آمریکا که به نوعی تحت نفوذ لابی یهودیان آبیگ نیز می باشد، به عنوان اهرم فشاری بر دولت مصر در راستای کمک های بلاعوض به این کشور می توانند بهره گیرند تا مانع از برقراری روابط دیپلماتیک دولت مصر با ج.ا. ایران شوند.

به هر حال، بعد از تحولات ژانویه ۲۰۱۱ که در آن، بیداری اسلامی نهایتاً منجر به کناره گیری حسنی مبارک از قدرت گردید، موجب شده است تا دورنمای برقراری روابط ایران و مصر، شفاف تر از قبل باشد. و روابط ایران و مصر نزدیک تر از قبل خواهند شد. در این میان، ایران از فرصت های پیش آمده به خوبی استفاده کند و وزن ژئوپلیتیکی خود را در منطقه افزایش دهد.

۴- فرصت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از تحولات انقلابی مصر

بعد از وقوع بیداری اسلامی در مصر، فرصت هایی برای ایران پیش آمد که به افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود در منطقه پس از سقوط مبارک کمک کرد که بعضی از مهم ترین این فرصت ها به شرح ذیل می باشد:

۱-۴- در سطح داخلی:**۱-۱-۴- سرنگونی حکومت مبارک**

حسنى مبارک در حقيقت جانشين انور ساداتى بود که وی از دوستان و متحدان رژیم پهلوى به شمار مى رفت؛ بطورى که آنها در بسيارى از پيمان هاى منطقه‌اى و سياست‌هاى غرب همسو بودند. نمونه بارز آن کمک‌هاى دو دولت پهلوى و انور سادات به اسرئيل بود. همزمان با انقلاب اسلامى و ترور انور سادات، حسنى مبارک جانشين وی شد و او نيز همانند انور سادات سياست‌هاى پيشين را دنبال کرد. اين امر سبب شد که دو کشور ايران و مصر در بسيارى از مسائل منطقه‌اى و جهانى نقطه مقابل هم قرار گيرند؛ اما با سرنگونى حسنى مبارک و روى کار آمدن دولت جديدى که سياست هاى مبارک را در بسيارى از مسائل قبول ندارد، کشور ايران مى‌تواند از اين فرصت مناسب استفاده کرده و روابط خود را با دولت مسلمان مصر بهبود بخشد.

۲-۱-۴- تغيير نام خيابان خالد اسلامبولى

با سرنگون حکومت حسنى مبارک که در حقيقت سياست هاى وی نقطه مقابل حکومت جمهورى اسلامى ايران بود، کشور ايران مى‌تواند اولين حسن نيت خود را از همکارى و دوستى با کشور مصر از طريق تغيير نام خيابان خالد اسلامبولى بردارد و حتى نام خيابان را به اسمى که هم‌نام با سياست هاى کنونى حکومت مردمى مصر مى‌باشد، تغيير دهد.

۳-۱-۴- همکارى دو جانبه اقتصادى

ايران و مصر به عنوان دو کشور در حال توسعه، از فرصت ها و ظرفيت هاى بالاي تجارى، صنعتى و سرمايه گذارى براى ارتقاى توانايى اقتصادى خود برخوردارند. نيازهاى اقتصادى دو کشور مى‌تواند مکمل هم باشد. قابليت هاى متخصصان ايرانى در زمينه سدهاى، توليد خودرو و ماشين آلات کشاورزى، توليدات پتروشيمى، صنعت نفت و گاز و غيره مى‌تواند زمينه توسعه مناسبات فى مابين را فراهم کند. متقابلاً مصر نيز مى‌تواند بخشى از نيازهاى ايران را از جمله در صنعت نساجى تأمين کند. دو کشور همچنين مى‌توانند به طور مشترک در صنايع سنگين، توريسم و صنايع تبديلى سرمايه گذارى کنند. از سوى ديگر، تهران و قاهره مى‌توانند با تبادل

نظر زمینه‌های ورود به بازارهای آسیای مرکزی، قفقاز و شمال آفریقا را فراهم نمایند (Walsh, 1995).

۲-۴- در سطح منطقه ای:

۱-۲-۴- همکاری دوجانبه در زمینه نگرانی‌های مشترک و مقابله با تهدیدات

اسرائیل

اگر چه قاهره اولین کشور جهان عرب بود که با اسرائیل پیمان صلح منعقد کرد، اما اختلافاتی نیز بین دو رژیم وجود دارد که نه تنها سطحی نیست؛ بلکه به دلیل مرتبط بودن با امنیت ملی و نقش منطقه‌ای این کشور از عمق زیادی برخوردار است. نخستین اختلاف دو رژیم حل مشکل فلسطینی‌ها و عقب‌نشینی رژیم اشغالگر از مناطق اشغالی است تا مقدمات تشکیل دولت فلسطین در سرزمین مورد توافق در کرانه باختری و نوار غزه مهیا شود. اختلاف بعدی مصر با اسرائیل به توان هسته‌ای تل‌آویو برمی‌گردد. قاهره با اعلام عاری شدن خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی، خواستار پیوستن اسرائیل به معاهدات بین‌المللی و اجازه به نمایندگان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات اتمی اسرائیل شده است. همین موضع نیز از طرف ج.ا. ایران همیشه اتخاذ شده است. مصر از توسعه سلاح‌های غیرمعارف بویژه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل همواره ابراز نگرانی کرده است. تجربه مصر از جنگ‌هایی که با اسرائیل داشته و به ویژه جنگ سال ۱۹۷۳، این کشور را در حالت اضطراب و صلح مسلح نگه داشته است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۰). مسائل اقتصادی و حضور منطقه‌ای اسرائیل از دیگر موارد مورد اختلاف طرفین است. مصر معتقد است که اسرائیل ابتدا باید از مناطق اشغالی عقب‌نشینی و مشکل فلسطینی‌ها را حل کرده، آنگاه به توسعه اقتصادی با کشورهای عرب مبادرت کند. اما اسرائیل تصور می‌کند که با نادیده گرفتن و دور زدن این موضوع می‌تواند با دولت‌های عربی همکاری‌های منطقه‌ای داشته باشد. قاهره مخالف طرح‌های اقتصادی اسرائیل در منطقه است و حاضر نیست این رژیم نقش برجسته‌ای در منطقه داشته باشد. نگرانی مصر از حضور نظامی اسرائیل در منطقه به ویژه پیمان نظامی با ترکیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی به سوءظن قاهره نسبت به تل‌آویو دامن زده است. موارد دیگر بی‌اعتمادی مصر به اسرائیل مربوط به عدم اجرای مفاد قرارداد کمپ دیوید از جمله پرداخت غرامت به مصر به

میزان بیست میلیارد دلار به خاطر استفاده از منابع نفتی صحرای سینا در زمان اشغال، عدم آزادی زندانیان مصری از زندان‌های اسرائیل، جاسوسی و توزیع مواد مخدر در مصر است. با وجود این که پس از پیمان کمپ دیوید، اسرائیل در سال ۱۹۸۲ صحرای سینا را همچنان ادامه دارد. انعقاد پیمان‌های نظامی اسرائیل با ترکیه و پیمان سه جانبه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان، حضور این کشور در کشورهای آسیای میانه، به ویژه در ازبکستان، نگرانی‌های دو طرف را مضاعف ساخته است. دامنه نفوذ اسرائیل به آفریقا نیز کشیده شده است. تل‌آویو با برخی از کشورهای این قاره از جمله اتیوپی در زمینه مسائل آب نیل همکاری مشترکی دارد. با توجه به نکات مذکور و نیز رویکرد قاهره در حمایت از مردم فلسطین در قبال کشتارهای اسرائیل، حمایت از تشکیل دولت فلسطینی به مرکزیت بیت‌المقدس و مخالفت با شهرک سازی اسرائیل، یکی از شرایط ایران را که فاصله گرفتن قاهره از اسرائیل و پیمان کمپ دیوید برای برقراری رابطه بود، به تدریج تحقق بخشیده است.

۲-۲-۴ - همکاری دو جانبه در تشکیل دولت مستقل فلسطینی

با توجه به تفاوت مواضع سیاسی ایران و مصر در قضیه فلسطین و صلح اعراب و اسرائیل، دو کشور می‌توانند با مبنا قرار دادن صلح عادلانه و فراگیر که زمینه آن از طریق به رسمیت شناختن دولت فلسطین میسر خواهد شد، تبادل نظر و همکاری کنند. سرنوشت فلسطین و مردم آن برای اغلب کشورهای عرب و مسلمان از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، اتفاق نظر دو کشور و کشورهای عرب در حمایت از مبارزات ملت فلسطین برای دستیابی به استقلال سیاسی می‌تواند مؤلفه دیگری از همکاری دو جانبه باشد. این مهم می‌تواند از طریق ائتلاف کشورهای مسلمان در حمایت از حکومت خودگردان و پروسه تشکیل دولت مستقل فلسطینی میسر شود. پشتوانه تلاش سیاسی تهران و قاهره برای حمایت از حقوق مردم فلسطین، علاوه بر این که می‌تواند در کاهش کشتار مردم فلسطین و تجاوز به مرزهای دولت خودگردان و کشور لبنان و سوریه مؤثر واقع شود؛ می‌تواند سیاست‌های تجاوزکارانه اسرائیل را با محکومیت جهانی همراه کند. با توجه به تحولات مذکور، به نظر می‌رسد دو کشور در زمینه دستیابی فلسطینیان به حقوق اصلی خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی و مقابله با زیاده طلبی‌های اسرائیل در منطقه اشتراک نظر داشته باشند (حسینی ودیگران، ۱۳۸۱: ۵۰۰).

۳-۲-۴ - همکاری در سازمان های منطقه ای (سازمان کنفرانس اسلامی)

حضور ۵۷ کشور در این سازمان که هدف آن هماهنگی و وحدت مواضع مسلمانان در مورد مسائل بین المللی است و نیز برخورداری از ۳۳ درصد جمعیت جهان و ۷۴ درصد ذخایر نفت جهان، اهمیت چشمگیر این سازمان را نشان می دهد. ایران و مصر به عنوان دو قطب مهم جهان اسلام می توانند در تحرک بخشیدن و روزآمد کردن فعالیت ها و عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در عرصه های مختلف جهانی و متناسب با تحولات سیاست بین الملل، رسالت و نقش فعال و سازنده ای را در کمک به حل منازعات و کشمکش های سیاسی ایفا کنند.

۳-۴- در سطح بین المللی:

۱-۳-۴ - همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم

ایران و مصر می توانند در مبارزه با تروریسم همکاری مشترکی به عمل آورند. مهم ترین مؤلفه اقدامات تروریستی، دیدگاه افراطی و غیرانسانی مجریان آن است که بدون توجه به ناپسند بودن این گونه حرکت ها، برای رسیدن به اهداف خود به هر شیوه ای متوسل می شوند. به لحاظ گستردگی ابعاد و مصادیق تروریسم اعم از تروریسم غیردولتی (القاعده) و تروریسم دولتی (اسرائیل)، ایران و مصر می توانند به تبادل نظر و اقدام مشترک مبادرت نمایند.

۲-۳-۴ - همکاری دو کشور در گروه های اقتصادی

این دو گروه به ترتیب در سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ تشکیل شدند. اهداف این گروه ها همکاری های اقتصادی و مشارکت جمعی در فرایند اخذ تصمیمات بین المللی است. اعضای این دو گروه که از قاره های مختلف هستند، می توانند با توجه به تنوع امکانات خود، یکدیگر را در رسیدن به توسعه اقتصادی یاری کرده و در اخذ تصمیمات مهم بین المللی، مواضع گروهی خود را لحاظ کنند؛ اگرچه موانعی چون اقتصادهای ضعیف و ناهمگون و دیدگاه های مختلف سیاسی در بین آن ها به عنوان عوامل تضعیف کننده همکاری وجود دارد.

در مجموع، با عنایت به نظریه سازهانگاری و وقوع تحولات سیاسی در منطقه خاورمیانه و بخصوص مصر، رهبر معظم انقلاب اسلامی حمایت خود و نظام جمهوری اسلامی از بیداری اسلامی را در عمل و کلام اعلام کردند. از دیگر سو، تأکید همگان در داخل و از خارج بر این

است که انقلاب اسلامی ایران الگوی حوادث و تحولات شده است. بنابراین، اگر انقلاب اسلامی را در مرکز بیداری اسلامی قرار دهیم و ملت و دولت ایران را الگوساز تحولات اخیر بدانیم، این رابطه از چهار جهت بدین صورت قابل تعریف است: در ابتدا، اینکه جمهوری اسلامی ایران برای تحولات انقلابی خاورمیانه الگوسازی کرده است؛ در وهله دوم به این تحولات امید بخشیده است؛ و در وهله بعد، از این بیداری باشکوه اسلامی حمایت کرده است و در نهایت اینکه از این تحولات رفع موانع کرده است. ج. ا. ا. هم اکنون از ابزارها و اهرم‌های تاثیرگذار ملی و منطقه‌ای متناسبی در سیاست خارجی استفاده کرده است تا ضمن ضرورت همگامی با استراتژی ژئوپلیتیک، عملاً منوط به توان کنش و بهره‌برداری از فضای جاری در خاورمیانه باشد (رشنو، ۱۳۹۰/۱۰/۱۲).

۵- نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در مصر به نظر می‌رسد در چهارچوب سازه‌انگاری بیشتر قابل فهم باشد. به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بافت هویتی آن محدود به دوره تدوین قانون اساسی یا مراحل اولیه شکل‌گیری انقلاب نبوده، بلکه برای مثال می‌توان گفت که در مسأله مصر برداشت اخلاقی و دینی از وظایف موجب شد که اعتقاد به راهبرد مواجهه با نظم هژمونیک ایالات متحده و تلاش برای برقراری نظام عادلانه بین‌المللی و اهتمام به صدور فرهنگ و انقلاب اسلامی، امتداد عملی یابد و در ادامه به مکتبی شدن سیاست خارجی و به تبع آن، شکل‌گیری هویت در دولت منجر شود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری بین‌المللی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و جایگاهی متمایز در تحولات استراتژیک، همواره از تغییر و تحولات نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد و بر آن نیز متقابلاً تأثیر می‌گذارد. تردیدی نیست که ج. ا. ایران با توجه به ویژگی‌های خاص جغرافیایی-سیاسی، جغرافیایی-اقتصادی، جغرافیایی-فرهنگی یک کشور مؤثر بین‌المللی است و بسیار فراتر از کشوری منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند. آنچه در این میان اهمیت دارد، آن است که قدرتی منطقه‌ای همچون ایران در نظام ترتیبات امنیتی خود نیازمند توانمندی‌های متنوع غیرهمسطح است. از این رو، نیازمند دیپلماسی قوی و غیرهمسطحی است که با ادغام آن با مزیت‌های متعارف ذکر

شده بتواند از مسیر اثبات توانمندی خود، کشورهای منطقه را مجاب به تمکین و مدارا نماید و به جای اعتمادسازی، معتمدسازی کند. در این الگو، معتمدسازی به معنای این است که ملت‌ها و به تبع آن، کشورهای مؤثر در نظم منطقه معتمد یکدیگر باشند. مهم‌ترین عامل برای دستیابی به این مهم، ایجاد بستر فرهنگی تعامل با کشورهای منطقه است که به دلیل ریشه‌های تعارض تاریخی و فرهنگی بسیار حساس و مهم است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نگرش جدیدی از ماهیت نظام بین‌الملل و مسائل سیاسی خاورمیانه و استراتژی ایران در مبارزه با آمریکا به عنوان کشور سلطه‌گر و در اولویت قرار گرفتن ایدئولوژی اسلامی در روابط خارجی باعث تحول روابط ایران با برخی از کشورها از جمله مصر شد. متغیر اصلی و دخیل در قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، پیمان کمپ دیوید سال ۱۹۷۸ است؛ اما مولفه‌هایی چون ترور انور سادات و نامگذاری خیابانی در تهران به نام خالد اسلالمبولی، حمایت مصر از عراق در جنگ تحمیلی، حمایت‌های مصر از اسرائیل، همکاری مصر با آمریکا بر علیه ایران در منطقه، حمایت مصر از امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه ایرانی و غیره سبب قطع رابطه ایران و مصر در سه دهه اخیر شده است. پس از تغییر حکومت در فوریه ۲۰۱۱ و برکناری حسنی مبارک از قدرت توسط مردم، لزوم برقراری همکاری از سوی دو کشور مصر و ایران بیشتر احساس می‌شود. دو کشور ایران و مصر به عنوان در قدرت بزرگ منطقه و برخوردار از موقعیت جغرافیایی مناسب می‌توانند با افزایش همکاری فی مابین بر وزن ژئوپلیتیکی خود در سطح منطقه و جهان بیفزایند. مواردی از جمله، تعاملات سیاسی و فرهنگی، سوابق تاریخی و فرهنگی مشترک و موقعیت و جایگاه مصر در حوزه آفریقا و خاورمیانه و توجه به وجود منافع و تهدید مشترک از جمله حضور اسرائیل در آسیای مرکزی، قفقاز، حمایت از مردم فلسطین برای تشکیل دولت فلسطینی و مقابله با تهدیدات نظامی اسرائیل، باعث شد دو کشور به این نتیجه برسند که می‌توانند همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند. ایران با توجه به موارد مذکور و به دلایل دیگری، از عادی سازی روابط استقبال نموده است.

نگارندگان برای افزایش روابط دو کشور در آینده پیشنهاداتی ارائه داده اند که عبارتند از:

- جهت دهی و مدیریت رسانه‌های دو کشور برای بهبود فضای حاکم بر روابط

- افزایش تعامل و هم اندیشی میان مراکز علمی - فقهی ج.ا.ایران و مصر
- مذاکرات مستمر و مداوم دوجانبه‌بایستی با تأکید بر وجوه اشتراک، در مسیری قرار گیرد که از این طریق سوء تفاهم‌ها و چالش‌های فراروی دو کشور مرتفع شود تا در آینده نزدیک، شاهد احراز شرایط برای تجدید مناسبات در سطح متعارف دیپلماتیک باشیم.
- ایران می‌تواند برای ایجاد بستر مناسب در مورد موضوعاتی از جمله حمایت از مردم فلسطین در برابر اقدامات سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی، عاری ساختن خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه سلاح‌های هسته‌ای تل آویو، مسائل مبتلا به جهان اسلام و ترتیبات امنیت منطقه ای با مصر همکاری و تشریک مساعی کند.
- نشست‌های اقتصادی بین نمایندگان دو دولت و همچنین با بخش خصوصی برای توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش سطح مناسبات تجاری افزایش یابد.
- تماس‌هایی در سطوح مسئولان ارشد دولت و همچنین ملاقات‌هایی بین نمایندگان مجالس دو کشور برای ایجاد اعتماد متقابل صورت گیرد.
- برای حذف موانع توسعه روابط تجاری، از جمله تردد آسان تجار و بازرگانان دو کشور و همچنین گسترش صنعت توریسم اقدامات لازم صورت گیرد.

منابع

۱. احمدزاده، داوود (۱۳۸۲)، نقش مصر در جنگ ایران و عراق، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال دهم، شماره ۳۵.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، مقاله سازنده انگاری، چهارچوب تئوریک برای فهم سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، سال اول، شماره ۱.
۳. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.
۴. پندار، محمد حسین (۱۳۸۸)، روابط سیاسی ایران و مصر، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال ششم، شماره ۲۰.
۵. پیشگاهی فرد و امیراحمدی، زهرا و صغرا (۱۳۸۹)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و مصر پس از جنگ جهانی دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۶. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، ایران و مصر، از رقابت تا همکاری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.
۷. ----- (۱۳۸۵)، همکاری های منطقه ای: چارچوبی برای گسترش روابط ایران و مصر، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۸.
۸. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، ایران و مصر: چالش ها و فرصت ها، انتشارات مرز فکر.
۹. جکسون، رابرت (۱۳۸۱)، درآمدی بر روابط بین الملل، نویسندگان رابرت جکسون، گئورک سورنسون، مترجمین مهدی ذاکریان. احمد تقی زاده، حسن سعیدی کلاهی، انتشارات میزان.
۱۰. حسینی و دیگران (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک مصر، تهران، انتشارات ابرار معاصر
۱۱. حق پناه، جعفر (۱۳۹۰)، هویت، قومیت و سیاست خاجی در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۵.
۱۲. دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۸۳)، روابط دو جانبه ایران و مصر، تهران، مرکز پژوهش های مجلس.
۱۳. رشنو، نبی الله (۱۳۹۰)، ملاحظات ژئوپلیتیک در شرایط جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ اسفند ۱۳۸۸، تاریخ مراجعه ۱۳۹۰/۱۰/۱۲، این مطلب در سایت زیر قابل بازیابی است:
<http://political.ir/cat-5.aspx>
۱۴. رضانی، روح الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.

۱۵. الشرواقی، باکینام (۱۳۷۹)، رابطه ایران و مصر، ترجمه سید محمود بجنوردی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴.
۱۶. علیزاده، حسین (۱۳۸۴)؛ بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر در قدرت منطقه ای خاورمیانه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۷. ----- (۱۳۸۴)، بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
۱۸. قالیباف و پورموسوی، محمد باقر و سید موسی (۱۳۸۷)، تحولات ژئوپلیتیک نوین در خاورمیانه و سیاست خارجی ایران، ۱۲ / ۱۳۸۷/۸، مجله مطالعات خاورمیانه.
۱۹. قلوبی، جواد (۱۳۸۷)، نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناسبات سیاسی ایران و مصر، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۸.
۲۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، تهران، انتشارات سازمان سمت.
۲۱. گرهام، یوانز (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان.
۲۲. گلرو، عباس (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه ای اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و مصر بر مبنای نوع رابطه این دو کشور با آمریکا، مطالعات آفریقا، سال یازدهم، شماره ۲.
۲۳. متقی و کاظمی، ابراهیم و حجت (۱۳۸۶)، سازه انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، صحیفه امام، جلد ۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
۲۵. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴)، جامعه شناسی بی طرفی و روانشناسی انزوایگرائی در تاریخ دیپلماسی ایران"، تهران، مرکز اسناد انقلاب
۲۶. ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳)، گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

27. Prerenting (2005); Conflict, Moving Towards Cooperation in the Nile Basin", WWW. -Gefweb. Org

28. Rudolf, Kjelle (1917); Der staat als Lebensform, trans. M. Langfelt, Leipzig: S. Hirzel verlag.

29. Walsh .David (1995); " Dual containment: Successes, failures and prospects for changes in policy" .at available: <http://www.tisri.org/default-695.aspx>